

Research Article

doi: [10.71633/jshsp.2024.1031823](https://doi.org/10.71633/jshsp.2024.1031823)

A Reflection on the Loss of Meaning in Newly Emerging Rural Houses with an Emphasis on Spatial-Functional Aspects (Case Study: Southern Ilaq Rural District, Dehgolan County)

Afshin Bahmani*¹, Hamed Ghadermarzi² & Leila Mafakheri³

1. Ph.D in Geography & Rural Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

2. Associate Professor of Geography & Rural Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran

3. Ph.D Student in Geography & Rural Planning, Kharazmi University, Tehran, Iran

* Corresponding author: Email: Afshin.bahmani@ut.ac.ir

Receive Date: 12 May 2019

Accept Date: 16 March 2020

ABSTRACT

Introduction: The form, space, and function of a rural house are the result of the worldview and mentality of the residents. Modernity and its processes have affected multiple aspects of the rural house, and as a result, a kind of separation has arisen between the mentality of the residents and the objectivity of the newly emerging houses, which results in being emptied of yesterday and lost in all its meanings.

Research Aim: The aim of this research is to investigate the dimensions of the loss of meaning in new rural housing, especially from the spatial-functional perspective.

Methodology: Data were collected by two methods: documentary and survey. In the field study section, questionnaire, interview and observation were used. Descriptive statistics (mean and frequency) and inferential statistics (Chi-square test, Mann-Whitney, Kruskal-Wallis and Spearman correlation) were used to analyze the data.

Studied Area: The statistical population of the study is Dehgolan County, which has 5 rural districts. The sample studied was the southern Ilaq rural district, where 24 rural district heads and housing experts were selected as a sample.

Results: The findings from the chi-square test show that in the physical dimension, new housing has caused a change in the true meaning of vernacular architecture and a decrease in the level of infrastructure, which is significant with an alpha error of 0.000. From an economic perspective, renovation has affected the livelihood of rural houses and is somehow effective in eliminating the livelihood function of rural houses. The emergence of new housing in villages has caused changes in the social concept of housing and has led to the formation of single-family housing with a chi-square value of 19.750 and a significance level of less than 0.05.

Conclusion: The results show that the construction of new housing in Rural has created major changes in the type of architecture, spatial diversity, and its previous functions, so that it has distanced itself from the meaning of old rural houses that had a biological-subsistence function and whose materials, landscape, and architecture were in harmony with the nature and environment surrounding the Rural.

KEYWORDS: Housing, Rural Housing, Loss of Meaning, Dehgolan County, Southern Ilaq Rural District



فصلنامه علمی مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی
دوره ۱۹، شماره ۳ (پیاپی ۶۸)، پاییز ۱۴۰۳
شاپای چاپی ۵۹۶۸-۲۵۳۸ شاپای الکترونیکی ۵۹۵۰-۲۵۳۸
<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>
صص. ۲۲۷-۲۱۳

doi: 10.71633/jshsp.2024.1031823

مقاله پژوهشی

تأملی در معنا باختگی خانه‌های نوظهور روستایی با تأکید بر وجوه فضایی - عملکردی (مطالعه موردی: دهستان ئیلاق جنوبی، شهرستان دهگلان)

افشین بهمنی^{۱*}، حامد قادرمرزی^۲ و لیلا مفاخری^۳

۱. دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

۳. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: Email: Afshin.bahmani@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۲۶ اسفند ۱۳۹۸

چکیده

مقدمه: فرم، فضا و عملکرد خانه روستایی برآیند جهان بینی و ذهنیت ساکنین بوده و مدرنیته و فرایندهایش، وجوه چندگانه خانه روستایی را تحت تأثیر قرار داده و به تبع آن، نوعی جدایی میان ذهنیت ساکنین و عینیت خانه‌های نوظهور به وجود آمده که نتیجه آن، خالی شدن از دیروز و گم شدن در آن همه معناست.

هدف: هدف این پژوهش، بررسی ابعاد معنا باختگی مسکن جدید روستایی بویژه از بعد فضایی - عملکردی است.

روش شناسی تحقیق: داده‌ها به دو روش اسنادی و پیمایشی گردآوری شد. در بخش مطالعه میدانی از ابزارهای پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده بهره گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و فراوانی) و آمار استنباطی (آزمون کای اسکوتر، مان ویتنی، کروسکال والیس و همبستگی اسپیرمن) استفاده گردید.

قلمرو جغرافیایی پژوهش: جامعه آماری تحقیق، شهرستان دهگلان است که دارای ۵ دهستان است. نمونه مورد بررسی، دهستان ئیلاق جنوبی بوده که تعداد ۲۴ دهیار و کارشناس حوزه مسکن به عنوان نمونه انتخاب گردید.

یافته‌ها: یافته‌های حاصل از آزمون کای اسکوتر (خی دو) نشان می‌دهد که در بعد کالبدی، مسکن نوظهور موجب تغییر در معنای حقیقی معماری بومی و کاهش سطح زیرینا شده‌اند که با مقدار خطای آلفای ۰/۰۰۰ معنادار است. از بعد اقتصادی، نوسازی بر معیشت محوری خانه‌های روستایی تأثیر گذاشته و به نوعی در حذف عملکرد معیشتی خانه روستایی موثر می‌باشد. پدیدار شدن مسکن نوظهور در روستاها تغییراتی را در مفهوم اجتماعی مسکن ایجاد نموده و موجب شکل گیری مسکن تک خانواری با مقدار کای اسکوتر ۱۹/۷۵۰ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ شده است.

نتایج: نتایج نشان می‌دهد که ساخت مسکن جدید در روستاها، تغییرات عمده‌ای در نوع معماری و تنوع فضایی و عملکردهای پیشین آن ایجاد کرده، به طوری که از معنای خانه‌های کهن روستایی که عملکرد زیستی - معیشتی داشته و مصالح و منظر و معماری آن با طبیعت و محیط پیرامون روستا همخوانی داشته، فاصله گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مسکن، مسکن روستایی، معنا باختگی، شهرستان دهگلان، دهستان ئیلاق جنوبی

مقدمه

خانه روستایی همراه با تحولات اقتصادی و همگام با دگرگونی روابط شهر و روستا دستخوش تغییراتی شده که برآیند این تغییرات در ساختار عملکردی و پیکره بندی فضایی مسکن نوظهور و معاصر روستایی نمایان شده است. خانه سنتی روستایی به عنوان پیچیده ترین عرصه کالبدی برآمده از نفوذ و تصاحب انسان در محیط پیرامون، نقطه ای است که شکل محیطی مفروض را به مکانی مسکوت تغییر می‌دهد (Mazaheri et al., 2018: 98) و به عنوان یک سرپناه ایمن برای انسان، نقش تعاملی بین انسان و محیط برقرار می‌کند (Obiad et al., 2017: 52). کلیه عناصر معماری روستایی، ریشه در نیازهای معنوی و مادی روستاییان دارد. تاروپود این معماری و از جمله مسکن، با مسائل مربوط به محیط طبیعی، نوع معیشت و شکل تولید، سیر تکوینی زندگی اجتماعی و قدرت فنی روستاییان پیوند خورده است (Zargar, 2014; Safaei, 2018: 34). بنابراین سازمان عملکردی و ابعاد فضایی خانه بومی روستایی، متمایز از فرم و کارکرد مساکن واقع در شهرهاست. برای مسکن روستایی در کنار نقش استراحتگاهی و مأمن خانوادگی، نقش‌های تولیدی، معیشتی، انباری و کارگاهی نیز متصور می‌باشد (Asgari, 2015: 179)، این امکان از طریق تنوع فضاهای عملکردی نمایان می‌شود و عینیت دو خصیصه وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت در شکل و قالب سازمان یافته خانه روستایی تجلی می‌یابد. بروز تغییرات فرهنگی و اثرات آن بر الگوی مسکن روستایی، منجر به فروپاشی الگوی سنتی مسکن خواهد شد (Dadvarkhani et al., 2018: 62). آنچه در مساکن نوظهور روستایی پدیدار شده، خالی شدن از دیروز و گم شدن در آن همه معناست. ساکنان بناهای امروزی در بیشتر موارد از فضاهای زیست خود رضایت نداشته و واکنش‌های طبیعی و احساسی خود را نسبت به محل زندگیشان از دست داده‌اند (Hasani & Norouzborazjani, 2018: 29). مدرنیته و فرایندهایش وجوه چندگانه مسکن روستایی را تحت تاثیر قرار داده و امروزه تقابل سنت و مدرنیسم، ادراک روستاییان از تمامی ابعاد معناشناختی، زیبا شناختی و حتی حس تعلق خاطر آن‌ها را خدشه دار نموده است. باید توجه داشت که مسکن روستایی مفهومی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی بوده و کارکرد آن علاوه بر سرپناه، فراهم نمودن شرایط مطلوب برای تحقق فعالیت‌های خانوادگی می‌باشد (Fazlali et al., 2018: 338) بنابراین بایستی ضمن مذاقه در جنبه‌های زیستی مسکن، جنبه‌های معیشت محوری و تنوع فضاهای کارکردی ناشی از آن را مد نظر قرار داد. خانه‌های دوران مدرن و پس از آن، نتوانسته‌اند نقش مأمنی محبوب را برای ساکنانشان ایفا نمایند. این مسئله از عدم هماهنگی مسکن با ابعاد مختلف وجودی انسان، فقدان معانی مرتبط با این ابعاد و در نتیجه منفعل بودن ساکن نشأت می‌گیرد (Karimi et al., 2018: 5). بازتاب ایستایی و تاثیرپذیری صرف، مسبب سرگستگی و سرگردانی بشر و تقابل ساکن و مسکن خواهد شد. آنچه که یک فضا را به یک مکان سکونت اعلا می‌بخشد، آغشته شدن آن با معانی و مفاهیمی است که در طول زمان گسترش و عمق پیدا می‌کند. از این رو خانه حاصل آن دسته از معانی می‌باشد که در طول زمان و در تعامل با ساکن به دست می‌آیند و مصداق راستین خانه روستایی، کلیتی منسجم از فضاها و توانایی پاسخگویی آن به الگوهای فعالیتی ویژه ای خواهد بود که با ذهنیت ساکنین عجین شده است. باید اذعان نمود که امروزه جدایی میان ذهنیت ساکنین و بناهای موجود، تنزل کیفیت در محیط‌های مسکونی را به دنبال داشته (Gharehbaglou & Rouhifar, 2018: 80). حال آنکه مسکن روستایی به نوعی با نیازها، آرمان‌ها و جهان بینی مردمانی که در واقع سازندگان آن بنا نیز هستند مرتبط بوده و رفتارهای روزانه که مبتنی بر کنش‌های متقابل انسان و محیط می‌باشد، به همراه هنجارهای اجتماعی- فرهنگی، عامل مهم شکل‌گیری معماری مسکونی است (Valibeig & Rastegarzhaleh, 2018: 20). در سال‌های اخیر معماری خانه‌های روستایی به تبعیت از طرح‌ها و تصمیمات دولتی، دستخوش تحولاتی شده که معنای انتزاعی خانه بومی روستایی و عناصر وجودی آن از جمله برخورداری از فضاهای متنوع تولیدی و اقتصادی همچون محل نگهداری دام، محل نگهداری علوفه، بهارند، انبار سوخت، محل نگداری محصولات کشاورزی و فرآورده‌های دامی و همچنین فضای تنوری خانه از مساکن نوظهور حذف گردیده و در پی آن، خانه‌هایی با زیربنای محدود و کارکردی صرفاً زیستی بنیان نهاده شده است. بنابراین معیشت محوری و برجستگی بحث معیشت در مسکن روستایی به عنوان مهم‌ترین وجه افتراق آن از مسکن شهری (Sartipipour et al., 2018: 4) به عنوان بخشی از مصداق حقیقی خانه روستایی، در مساکن نوظهور شبه شهری، مورد اهمال و تسامح قرار گرفته و به نوعی موجب معنابخشی خانه سنتی روستایی به ویژه از نظر فضایی- عملکردی شده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری روستایی، توجه به معماری منطبق با نیازهای فطری و فعالیت‌های روزمره روستاییان در فضاهای معیشت مردم می‌باشد (Khosronia, 2017: 52). پیوستگی و همنشینی فضاهای زیستی و معیشتی در اقامتگاهی به نام خانه روستایی، جلوه گر پیوندی دوسویه بین ساکن و مسکن و تجلی

نقش تسهیلگر و مکمل خانه روستایی در انجام فعالیت های اقتصادی خانوارهای روستایی می باشد. از این رو مسکن باید بتواند نیازهای فرد را متناسب با بوم منطقه پاسخ داده و مشکلات ناشی از آن را مرتفع نماید (Azamati et al., 2017: 43). اصولاً در گذشته خانه سنتی روستایی در محیطی استقرار می یافت که اهالی آن بستر زندگی و تولید را در ارتباط تنگاتنگ با محیط پیرامون و طبیعت فراهم می کردند، به همین دلیل است که بیشترین خانه ها از دو بخش اصلی با کارکرد زیستی و معیشتی، در ارتباط دائمی و دوسویه برخوردار بوده اند (Zargar et al., 2017: 3). چند سالی است که ساخت و سازهای جدید و گسترده، چهره محیط روستاها را دگرگون ساخته و درهم تنیدگی غیر موزون مسکن بومی و مدرن، از مشکلات این مناطق به شمار می رود (Mozafar et al., 2016: 6). مسکن روستایی شهرستان دهگلان واقع در استان کردستان نیز طی چند سال اخیر تحت تأثیر طرح ها و پروژه های توسعه مسکن قرار گرفته و فرم و فضاهای عملکردی آن در جریان دگردیسی ساختاری- کالبدی دگرگون شده است. در فرایند نوسازی، از الگوی غیر بومی و مدرنیته تأثیر پذیرفته که در نتیجه آن، مسکن نوظهور پدیدار شده اند. همزیستی و تلفیق بافت سنتی و جدید خانه های روستایی، سیمای پرمفهوم روستا را به چشم اندازی غیر همگون تبدیل کرده است. در پژوهش حاضر، به پدیدار شناسی و بازاندیشی معنایی عناصر و فضاهای عملکردی خانه های نوین روستایی در قیاس با خانه های سنتی بومی شهرستان دهگلان پرداخته خواهد شد. لذا سوال تحقیق این است که معنا‌باختگی مسکن نوظهور روستایی در ابعاد کالبدی، اجتماعی و اقتصادی بویژه از جنبه فضایی- عملکردی به چه صورت بوده است؟ در این راستا به بررسی ادبیات نظری و رویکردهای مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته خواهد شد.

خانه مکانی است که اولین تجربه های بی واسطه فضایی (در انزوا و اجتماع) در آن صورت می گیرد و خلوت بی تعرض غیر، در آن ممکن می شود (Arzhmandi, 2012: 27; Khamenehzade, 2017: 32). نگاهی دوباره به معماری یا به عبارتی ساختمان خانه های امروزی کافیت تا جدال پیوسته میان ذات و کیفیت جدید واگذار شده به دید آید. مسکن امروزه نه تنها به عنوان یک سرپناه بلکه به عنوان هویت، امنیت و منبع سرمایه در بین ساکنین یک جامعه مطرح می باشد (Pouramezan & Pourghafar, 2018: 249). خانه نقش مهمی در جهان بینی فرد دارد (Madahi et al., 2017: 63) و نهادی است که در راستای یک رشته مقاصد پیچیده به وجود آمده، بنابراین صرفاً یک ساختار نیست. مسکن روستایی به واسطه نقش مهم و کلیدی خود در پاسخگویی به نیازهای زیستی و معیشتی روستاییان و نیز برقراری توان امنیت، آسایش، سرور و سرزندگی، از جایگاهی حساس و ویژه در زندگی انسان ها برخوردار بوده است (Riahi et al., 2018: 16). مسکن به عنوان عمده ترین و مهم ترین جزء بافت کالبدی روستا در گذر زمان و هماهنگی با دگرگونی های اجتماعی، اقتصادی و گسترش امکانات و فناوری های نوین اطلاعاتی، با تحول کارکردی همراه می باشد (Mohamadiyeganeh et al., 2017: 25). در حال حاضر تحولات و دگرگونی های کالبدی در روستاها با فرهنگ و اقتصاد روستایی هماهنگ نبوده و موجب ایجاد ناسازگاری های اقتصادی- اجتماعی و تغییر در کارکرد این فضاهای زیستی و به ویژه مسکن روستایی شده است. مسکن روستایی به عنوان اصلی ترین عنصر کالبدی فضا، به نحوی آشکار بازتاب روابط کالبدی- فضایی و مناسبات اجتماعی- اقتصادی و نیز تأثیرات فرهنگی در گذشته، حال و روند آتی آن به شمار می رود (Saeidi & Amini, 2010: 7). خانه های سنتی به عنوان آیین زندگی گذشتگان، محل ارزش های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی می باشند که در گذر زمان بر زنجیره متداومی از آزمون ها و تجربه ها استوار شده و از این طریق به بنیان های مستحکمی دست یافته اند (Sakenyazdi et al., 2017: 66).

آمار جمعیتی و تعداد روستاهای جهان در حال تقلیل هستند و احیای آن ها نیازمند توسعه همزیستی مسکن و صنعت روستایی می باشد (Cheng et al., 2019: 307). کسب و کارهای مبتنی بر خانه روستایی، هنوز بخشی از اقتصاد مناطق دورافتاده روستایی را تشکیل می دهد (Townsend et al., 2017., Williams & Philip, 2018: 1) و ارزش افزوده دارایی مسکن، عاملی برای افزایش انگیزه برای خرید آن می باشد. بنابراین مسکن به عنوان یک سرمایه گذاری مطلوب، جزئی از ثروت شخصی به شمار می رود (Reed & Ume, 2018: 5). خانه های بومی هر منطقه نشان دهنده قرن ها تجربه در استفاده بهینه از مصالح، روش های ساخت و ملاحظات اقلیمی هستند و بی توجهی به این مسئله می تواند باعث از بین رفتن این نوع معماری و همچنین فراموشی تجربه های معماران بومی شود (Maghooli & Ahmadzadeh, 2017: 88). معماری روستایی و بومی، دارای خطوط ارتباطی و مستقیم، بلاواسطه و محکمی با فرهنگ توده ها و زندگی روزمره آن ها است. کلید فهم خانه روستایی وابسته به شناخت فضا می باشد و از این طریق است که باید فضایی مطلوب و دلنشین برای زندگی روستاییان به وجود آید (Sartipipoor, 2011: 13). مسکن عامل اصلی در سازمان اجتماعی فضا است، خصیصه اساسی مسکن روستایی، اختلاط فضای کار و تولید با فضای مسکونی است. به عبارتی

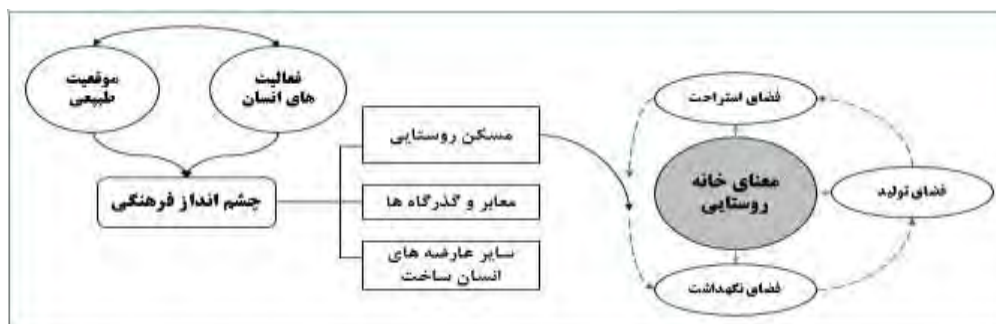
دیگر، مسکن روستایی بر خلاف مسکن شهری، صرفاً محل سکونت و استراحت افراد نیست بلکه به اقتضای نوع فعالیت اقتصادی خانواده، مرکز نگهداری و پرورش دام و طیور، تولید فرآورده‌های دامی، محل تولید صنایع دستی و نیز نگهداری وسایل تولید و محصولات کشاورزی می‌باشد (Anabestani et al., 2016: 26).

بشر در بستر مفاهیم می‌اندیشد و عمل می‌کند. این مفاهیم در همه ابعاد زندگی او حضور داشته و معماری نیز همانند تمامی دست ساخته‌های بشر، از نظام‌های مفهومی ذهن او تبعیت می‌کند (Mozafar et al., 2016: 59). خانه روستایی نیز توسط معمار پدیدار می‌شود و شکل، ساختار و عملکرد آن برآمده از اندیشه، تصور و ایدئولوژی معمار و سازندگان آن می‌باشد که در نهایت معنای خانه روستایی به خود می‌گیرد. می‌توان گفت ماهیت، کالبد و کنشگری‌های موجود در فضای خانه‌ها، نمادی از تلفیق ایدئولوژی‌های شخصی و دولتی بوده و خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر ایدئولوژی‌های حکومت، فرم و کارکرد خانه‌ها تغییر می‌یابد (Nuzha, 2018: 248). امروزه طراحان محیط از جمله معماران و شهرسازان، به اشکال مختلف خود را از جامعه جدا می‌دانند، بعضی‌ها مردم را در تشخیص معماری با کیفیت، ناتوان می‌دانند، گروهی توجه به کاربر را از نقص‌های کار می‌بینند و آن را مانع خلاقیت فرض می‌کنند. گرایش‌های صرف هنری در گروهی دیگر، باعث بی‌توجهی آن‌ها به خواسته‌ها و نیازهای کاربران می‌شود. عده‌ای برای کسب اعتبار حرفه‌ای یا اجتماعی و تسلط بر افکار کاربران، با توجه به ذهنیت خود و به صورت مستبدانه طراحی می‌کنند و گروهی به دلیل پایند بودن به سبکی خاص، از توجه به ذهنیت و خواست کاربران غافل می‌شوند (Akrami & Sajadramiar, 2016: 86). اما باید توجه داشت که انسان‌ها با زندگی در خانه، به آن معنا می‌بخشند و این معنا بخشیدن بین انسان و خانه دوسویه خواهد بود، اینکه خانه مکانی معنادار بوده و امروزه با تقلیل کیفیت‌ها، معنای آن تا حد زیادی کم رنگ شده و ارزش و کارکرد خانه گاهی تا حد یک سرپناه تقلیل یافته است (Hamzehnezhad & Dashti, 2016: 25). باید توجه داشت که نگرش معناگرایانه به فضای معماری و واکاوی لایه‌های مختلف ذهنی و عینی آن از موضوعات حائز اهمیت در حوزه مطالعات معماری می‌باشد. مفهوم مکان و عوامل سازنده آن، امری است که در خلال بررسی‌های معناگرایانه و با ارزیابی لایه‌های مختلف کالبدی، فرهنگی و اجتماعی میسر می‌شود. معنامندی مسکن روستایی به واسطه خوانش فضاهای متنوع عملکردی و لایه‌های پنهان یا معقول در ساختار خانه‌های نوظهور از طریق جنبه‌های پدیدار شناسانه قابل درک خواهد بود. معنا نقش مهمی در فرایند ادراک انسان ایفا می‌کند. از ارتباط پیوسته ساکن و مسکن روستایی است که فضاهای ویژه شکل گرفته و انتظام این فضاها به خانه‌های روستایی معنا می‌بخشد. در مسکن نوین روستایی به واسطه حذف فضاهای عملکردی و تطور عملکرد زیستی معیشتی به کارکرد صرفاً زیستی، خانه سنتی روستایی معنای ریشه دار خود را از دست داده و به مسکن شبه شهری تغییر یافته‌اند. امروزه در خانه، اغتشاش و تداخل میان فعالیت‌های روزمره افراد و تأثیر آن بر روابط اجتماعی درون خانوادگی و برون خانوادگی و عدم تناسب و ارتباط میان الگوی فعالیت‌ها و روابط افراد از سویی و فضاهای خانه از سوی دیگر منجر به نارضایتی ساکنین شده است. با توجه به اینکه خانه بومی روستایی نقش تأثیرگذاری در اقتصاد خانوار روستایی دارد، لذا معنای اقتصادی خانه روستایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. می‌توان گفت که هر خانه بومی روستایی یک کارگاه تولیدی است که فضاهای متنوع آن، پیشکارهای اقتصاد و درآمد خانوار را تشکیل می‌دهند. می‌توان گفت که معنا بخشی، مقوله‌ای مرتبط با ادراک فضا و ادراک، امری مرتبط با ذهن و ساختارهای احساس فرهنگی و اجتماعی فرد در رابطه با ویژگی‌های کالبدی فضا است که با جهت دهی به ذهنیت مخاطب، زمینه را برای دریافت معنادار مخاطبان از فضا فراهم می‌کند.

معنا، مدلول و مضمون هر چیز و تداعی‌ای که در پس آن برای ذهن ایجاد می‌شود، است. کیفیتی که می‌تواند یک فضا را از منظر افراد به خانه تبدیل کند، حاصل یک شبکه معنایی شخصی و پیچیده است که دربرگیرنده مولفه‌های چون شادی، تعلق، مسئولیت، امکان بیان خود، بقا و دوام، حریم خصوصی و مناسبات اجتماعی، ساختار کالبدی، سبک معماری و محیط کاری (فعالیت‌های اقتصادی ساکنین) می‌باشد (Armagan, 2015: 51). وقتی یک مفهوم در ذهن ما شکل گرفت، از آن پس رمزهایی که با آن مفهومی خاص را برای خود شکل داده‌ایم بشنویم، آن مفهوم را به یاد می‌آورد، این تداعی معنایی را قرائند معنایی می‌نامند، معنادار بودن یک پدیده (خانه روستایی) یعنی امکان بازشناسی آن برای ما وجود دارد (Akhtarkavan et al., 2016: 2). عدم درک عینیت خانه‌های سنتی روستایی و پدیدار شدن شکلی نو از مسکن، مفهوم حقیقی مسکن را تغییر داده و برآیند تغییر صورت گرفته، معنا باختگی خانه‌ها خواهد بود. در خصوص وجوه معنایی خانه سنتی روستایی و کنشگری ساکنین در فضاهایی که با فرم و عملکرد خود به مفهوم اصیل خانه روستایی هویت و هستی می‌بخشند، مطالعات محدودی صورت گرفته که غالباً بر تحول در الگوی ساخت

و تغییر در شکل و نظام‌مندی فضاهای ویژه مسکن روستایی دلالت دارند. راپاپورت^۱ معتقد است خانه بیش از آنکه ساختاری کالبدی باشد، نهادی است با عملکرد چند بعدی (Rapaport, 2005: 47). کولوگلو و دورموس^۲ معنای خانه سنتی را در خصوصیات فرهنگی- عملکردی آن می‌داند که تحت تاثیر نیازهای انسانی و شرایط محیطی نمایان شده است (Kuloglu & Durmus, 2014: 286). کانتر^۳ معنی مکان را ناشی از ارتباط سه گانه فعالیت‌ها، مفاهیم و ویژگی‌های کالبدی مکان می‌داند و در توسعه نظریه مکانی خود چهار عامل را بر می‌شمرد؛ تمایز کارکردی، اهداف مکان، مقیاس تعامل و جنبه‌های معماری و طراحی (Hoseini et al., 2018: 28). کاهش سطح زیربنای خانه‌های جدیدالاحداث، تقلیل فضاها، تغییر ماهیت عملکردی خانه‌های روستایی از زیستی- معیشتی به زیستی، افزایش ضریب استحکام بنا و ارتقاء سطح امنیت اجتماعی از جمله مواردی است که برآیند پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با تحولات معنایی- عملکردی مسکن روستایی می‌باشد (Eftekhari et al., 2018; Fazlali et al., 2018; Ghasemisani et al., 2018; Faezi et al., 2018; Salahi esfahani et al., 2017; Yeganeh et al., 2017). عبدالله زاده و ارژمند، معنامندی واقعی خانه سنتی روستایی را در هماهنگی با طبیعت، زندگی جمعی، انعطاف پذیری فضاها، زیبایی و احساس تعلق می‌دانند (Abdollahzadeh & Arzhmand, 2012: 10). برخورداری از ساختار چند کارکردی، فضاهای استراحت و فعالیت اقتصادی و همچنین احساس آرامش و آسایش ساکنین، ابعاد معنایی خانه سنتی روستایی را از دیدگاه اخترکاو و همکاران نشان می‌دهد (Akhtarkavan et al, 2016: 2). ورمقانی و سلطان زاده با بررسی نقش جنسیت و فرهنگ معیشتی در شکل‌گیری خانه دریافته‌اند که اقلیم، فرهنگ و شیوه‌های معیشت بر ساخت جنسیت اثرگذار بوده و تفاوت در ساختارهای جنسیتی دو جامعه، تغییرات بارزی در شکل‌گیری کالبد خانه‌ها ایجاد می‌کند (Varmaghani & Soltanzadeh, 2018: 123). قاسمی سیانی و همکاران به تبیین تحولات ساختاری- کارکردی سکونت و مسکن روستایی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داده که در اثر نفوذ فرهنگ شهری، بهبود سرمایه انسانی، تسلط الگوی فضا‌بندی زیستی و رفاه طلبی، شیوه سکونت در مناطق روستایی تغییر یافته و به شیوه‌ای شبه شهری تبدیل شده است (Ghasemisani et al., 2018: 47). عسگری رابری و همکاران با ارزیابی تغییرات ساختار معماری مسکن و عرصه حیات در روستاها بر این عقیده هستند مسکن روستایی بر حسب شرایط پیچیده زمانی- مکانی، تغییرات ماهیتی- کارکردی را به خود می‌بینند. آن‌ها دریافته‌اند که گونه مسکن جدید در روستای تاریخی ریاب، در مقایسه با مسکن سنتی- بومی، نوعی تفرق شیوه معماری را نشان می‌دهد که از بار معنایی مسکن سنتی کاسته است (Asgarirabari et al., 2017: 177). مظفر و همکاران در پژوهشی با عنوان مفاهیم در الگوی معماری مسکن روستایی، بر این عقیده هستند که معماری مانند تمامی دست ساخته‌های بشر، از نظام‌های مفهومی ذهن او تبعیت می‌کند. نتایج پژوهش بیانگر اهمیت زمان و مکان در نحوه شکل‌گیری مفاهیم و الگوهای استخراجی از آن‌هاست که ارتباط میان عناصر معماری را تعیین می‌کند. از دیدگاه ارمغان، معنای خانه مسئله‌ای فرهنگی و متغیر است که علاوه بر کارکردهای آشکار خود، کارکردهای پنهان نیز پیدا کرده و بیش از پیش در نقش یک نماد یا نشانه ظاهر شده است (Armagan, 2015: 51). تاثیر ذهنیت و عمل معماران و بنایان محلی در شکل‌گیری طرح واره‌های مسکن روستایی، نتیجه پژوهشی است که سرتیپی‌پور انجام داده است. وی با مطالعه میدانی معماری خانه‌های بومی مردم پسند در روستاهای استان مرکزی بر نقش فرهنگ‌ها و فعالیت‌های ساکنین هر منطقه در شکل و فرم مسکن روستایی تاکید نموده و خانه‌های روستایی را مجموعه‌ای از عناصر و اجزا می‌داند که براساس قواعد برگرفته از دانش جغرافیایی، خصوصیات فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی- معیشتی و فناوری‌های رایج محلی شکل گرفته‌اند (Sartipipoor, 2013: 25). با توجه به ادبیات معنایی خانه سنتی روستایی و بررسی نتایج مطالعات صورت گرفته در رابطه با معنامندی مسکن روستایی، خصیصه‌هایی از جمله عملکرد چند وجهی خانه‌ها، تنوع و گستردگی فضاها، سکونت چند خانواری، مناسبات و تعاملات خانوادگی، معیشت محوری و منطبق بودن معماری خانه‌ها با محیط طبیعی روستا، ابعاد معنایی خانه بومی روستایی را تشکیل می‌دهند و ساختار کلی معنای خانه روستایی را در شکل (۱) می‌توان دید.

1. Rapaport
2. Kuloglu and Durmus
3. Counter



شکل ۱. معنا بخشی به خانه روستایی در ساختار کالبدی روستا

در باب تحلیل معنایی خانه‌های سنتی روستایی به عنوان بخشی از ارزشمندترین و باهویت‌ترین آثار معماری ایران، دو رویکرد وجود دارد که دارای تفاوت‌ها و نقاط قوتی هستند که در شناخت هر چه عمیق‌تر خانه سنتی روستایی موثرند. رویکرد پدیدارشناسی از جمله رویکردهای بسیار مهم غربی در عصر حاضر است که به درک کیفیت خانه و مفاهیم آن پرداخته و همچنین بر بعد تاریخی خانه‌های بومی تأکید دارد. پدیدارشناسان آثار هنری را بازنماینده وضعیت زندگی می‌دانند و معماری را عینیت بخشی فضای وجودی تعریف می‌کنند. پدیدارشناسان معتقدند ذات و کالبد خانه با مفهوم زندگی بیشترین قرابت را دارد. یوهانی پلاسما از نظریه پردازان این دیدگاه، خانه را بنایی معرفی می‌کند که در روند مطابقت با ساکنانش، به خانه مبدل شده است، خانه‌ای که ضرب آهنگ زندگی ساکنانش، ماهیت آن را شکل می‌بخشد (Hamzehnezhad & Dashti, 2016: 25).

رویکرد سنت‌گرایی معنوی دارای دیدگاهی حائز اهمیت در شرق است که نگرش خاصی در تعریف معماری ارائه می‌دهد. به طوری که اجزاء کالبدی و نمادهای موجود در خانه را جنبه‌های محسوس واقعیت‌های ماوراء طبیعی می‌داند. نظریه پردازان این دیدگاه بر این عقیده‌اند که معماری سنتی خانه روستایی تصویری از معنویت و گسترش مسجد در خانه می‌باشد. خانه مکانی است که انسان با کاهش دغدغه‌های روزانه در آن به اجماع خاطری برای تفکر در باب خویش و خدای خویش دست می‌یابد. در رابطه با معنا بخشی عملکردی خانه سنتی روستایی، بحث راندمان عملکردی فضا مطرح می‌باشد. این واژه در قالب مفهوم کارایی، نخستین بار در نظریات ویتروویوس مطرح گردید. وی سه عامل استحکام، کارایی و زیبایی را اساسی‌ترین و ضروری‌ترین شاخص‌های یک بنای مطلوب تعریف کرد. بنابراین در تفسیر از فضا، طراحان باید با هدف فراهم آوردن شرایطی مطلوب و مناسب، محیط را به گونه‌ای سازمان‌دهی و طراحی نمایند که علاوه بر داشتن استحکام و زیبایی لازم، قابلیت تأمین بیشترین سطح از نیازهای استفاده‌کنندگان از فضا را نیز داشته باشد. خانه از مجموعه‌ای از فضاها و عناصر تشکیل شده است که هر کدام، امکان انجام فعالیت‌های مختلفی را در خود دارند و مجموعه این فعالیت‌ها در کنار یکدیگر، عملکرد خانه را به منزله مکانی برای زندگی و تأمین نیازهای ساکنین آن تعریف می‌کند. در پژوهش حاضر با توجه به دیدگاه پدیدار شناسانه، خوانش عناصر فضایی و عملکردی و کندوکاوی در راندمان عملکردی فضاهای تغییر یافته در خانه‌های نوظهور روستایی، بازاندیشی در مفهوم خانه سنتی روستایی و معنامندی آن صورت خواهد گرفت.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و ماهیت آن توصیفی-تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق، مسئولین و کارشناسان مرتبط با حوزه مسکن روستایی شهرستان دهگلان است. شیوه گردآوری داده‌ها به دو روش اسنادی و پیمایش میدانی بوده که در بخش مطالعه میدانی از ابزار پرسشنامه، مصاحبه و مشاهده بهره گرفته شد. تعداد نمونه مورد بررسی براساس روش تمام شماری (کل دهیاران دهستان ثیلاق جنوبی) و روش در دسترس (کارشناسان و متخصصان مسکن روستایی) بوده که بر اساس آن مجموعاً ۳۱ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. کارشناسان مد نظر پژوهش حاضر عبارت بودند از مهندسين ناظر ساختمان و طراحان نقشه معماری و سازه در سازمان نظام مهندسی ساختمان شهرستان و همچنین کارشناسان واحد عمران روستایی و واحد بهسازی مسکن روستایی در بنیاد مسکن شهرستان دهگلان. مبنای طرح سوالات پرسشنامه، ویژگی‌های معنایی مسکن سنتی روستایی از بعد کالبدی، اقتصادی و اجتماعی بوده (جدول ۱) و نوع سوالات پرسشنامه به دو شیوه باز و بسته (طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت) تدوین شد. برای درک کیفیت عینی مسکن روستایی از روش مصاحبه و مشاهده نیز بهره گرفته شد و از این طریق یک سوم روستاهای

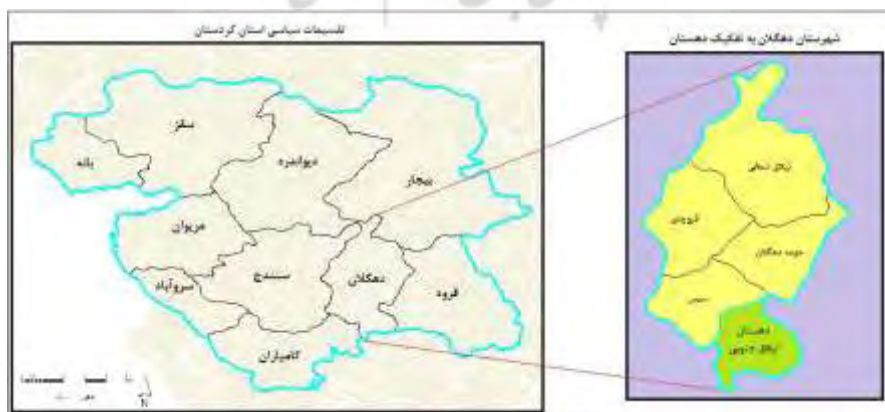
دهستان مورد بازدید قرار گرفت، همچنین سعی شد در هر روستا حداقل با یک نفر در رابطه با تغییرات صورت گرفته در مسکن روستایی مصاحبه انجام شود. جهت ارزیابی میزان روایی پرسشنامه از نظرات صاحب نظران و متخصصین بهره گرفته شد و برای سنجش میزان پایایی سوالات از آزمون آلفای کرونباخ استفاده گردید که نتایج نشان می‌دهد میزان پایایی سوالات بعد کالبدی ۰/۷۸۵، بعد اقتصادی ۰/۷۷۶ و بعد اجتماعی ۰/۸۲۰ به دست آمده که مقدار قابل قبولی می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آمار توصیفی از جمله میانگین و فراوانی و برای تحلیل استنباطی از آزمون‌هایی از جمله کای اسکوتر، کروسکال والیس، مان-ویتنی و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

جدول ۱. ابعاد و گویه‌های مربوط به مسکن روستایی

بعد معنایی مسکن	گویه‌ها	منابع
کالبدی	تغییرات در معماری بومی تغییرات در زیربنا تغییرات در فضاها متنوع تناسب نقشه‌ها و طرح‌ها	Fazlali and e al (2018), Hasani and Norouzbrazjani (2018), Gadermarzi and Bahmani (2018), Madahi and et al (2018)
اقتصادی	تغییر شغل خانوارها کاهش سطح درآمدی کاهش تعداد دام تغییر کارکرد معیشتی خانه سنتی	Dadvarkhani and et al (2018), Sartipipoor and et al (2018), Yeganeh and et al (2018), Zargar and et al (2018)
اجتماعی	کم رنگ شدن روابط همسایگی کاهش تعداد خانوار فراموشی آداب و رسوم سنتی روستاییان	Shafaei and et al (2018), Karimi and et al (2018), Gharebaglou and Rouhifar (2018), Valibeig and Jhaleh (2018)

قلمرو جغرافیایی پژوهش

شهرستان دهگلان به عنوان یکی از شهرستان‌های استان کردستان به لحاظ تقسیمات کشوری از سال ۱۳۸۸ در نقشه تقسیمات سیاسی استان، جایگاه شهرستان به خود گرفت. این شهرستان به لحاظ موقعیت جغرافیایی، در قسمت شرقی استان و با مرکزیت شهر دهگلان قرار گرفته است. بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ جمعیت شهرستان ۶۴۰۱۵ نفر بوده که ۵۴/۴ درصد آن در سکونتگاه‌هایی روستایی مستقر بوده‌اند. در سال تاریخ یاد شده شهرستان دارای دو بخش، دو شهر و ۵ دهستان بوده و تعداد کل آبادی‌های دارای سکنه شهرستان ۱۰۵ آبادی بوده که تعداد ۲۰ روستای آن به دهستان ثیلاق جنوبی اختصاص داشته است. جمعیت روستایی شهرستان ۳۴۸۳۰ نفر و تعداد خانوارهای روستایی نیز ۱۰۶۰۵ خانوار می‌باشد. سهم دهستان ثیلاق جنوبی از جمعیت و خانوار روستایی شهرستان به ترتیب ۹۲۵۴ نفر (معادل ۲۶/۶ درصد) و ۲۸۴۲ خانوار (معادل ۲۶/۸ درصد) بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). براساس آخرین آمار ارائه شده توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان کردستان، در خرداد ماه سال ۱۳۹۸ کل مسکن روستایی شهرستان دهگلان ۹۱۴۸ واحد بوده که ۲۶۳۹ واحد آن متعلق به دهستان ثیلاق جنوبی می‌باشد. در تاریخ یاد شده تعداد مساکن نوظهور روستایی شهرستان (مساکنی که به واسطه بهره‌مندی از تسهیلات بنیاد مسکن مقاوم سازی شده‌اند) ۳۵۰ واحد می‌باشد (اداره کل بنیاد مسکن استان کردستان، ۱۳۹۸).



شکل ۲. موقعیت سیاسی شهرستان دهگلان و دهستان ثیلاق جنوبی در استان کردستان

(Source: Statistical Center of Iran, 2016)

یافته‌ها و بحث

یافته‌های توصیفی

داده‌های حاصل از بررسی ویژگی‌های سنی نشان می‌دهد که ۱۲/۵ درصد پاسخگویان در گروه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال، ۲۹/۲ درصد در گروه سنی ۲۶ تا ۳۵ سال و ۵۸/۳ درصد در طبقه سنی ۳۶ تا ۴۵ سال قرار دارند. به لحاظ رتبه علمی و تحصیلات، داده‌ها بیانگر آن است که ۱۱ نفر معادل ۴۵/۸ درصد پاسخگویان دارای درجه تحصیلی دیپلم و فوق دیپلم بوده، سپس دارندگان مدرک لیسانس با ۳۷/۵ درصد و بعد از آن افراد با درجه کارشناسی ارشد قرار دارند که دارای سهم ۱۶/۷ درصدی می‌باشند. با توجه به اینکه در راستای پاسخگویی به اهداف و سوالات تحقیق، کارشناسان و مسئولین حوزه مسکن روستایی مدنظر بوده، از این رو ۷۵ درصد پاسخگویان را دهیاران و ۲۵ درصد پاسخگویان، کارمندان دهیاری، شهرداری و بنیاد مسکن منطقه مورد بررسی است.

یافته‌های تحلیلی

معنابخستگی از بعد معماری و کالبدی

بخش ویژه‌ای از تمایزات مسکن در نواحی روستایی، به شیوه معماری، نوع مصالح و فضاهای خاص واقع در مسکن بومی مربوط می‌شود. تغییر در سبک معماری فضاهای درونی و چشم‌انداز بیرونی خانه‌های روستایی، بدون مد نظر قرار دادن زیبایی بصری، عملکرد فضایی چندگانه و مطابقت نوع مصالح و شیوه ساخت و ساز با محیط پیرامون، چهره خانه بومی و سنتی را می‌زداید و موجب پدیدار شدن نوعی از اختلاط و دگرگونی در معنا و مفهوم حقیقی خانه دیرینه روستایی خواهد شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نقشه‌ها و طرح‌های جدید بیشترین تاثیر (۴/۰۴ معادی زیاد) را در تغییر معنای راستین خانه روستایی داشته و بعد از آن بر تاثیر نوسازی در تغییر معماری مسکن روستایی و حذف فضاهای معیشتی با میانگین رتبه‌ای ۳/۹۶ تاکید شده است (جدول ۲).

جدول ۲. میانگین و درصد تاثیرگذاری هر یک از سنجه‌های بعد کالبدی مسکن

میانگین	طیف					گزاره
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۳/۹۶	-	-	۸/۳	۸۷/۵	۴/۲	تاثیر نوسازی مسکن روستایی بر تغییر معماری بومی
۳/۹۲	-	-	۱۲/۵	۸۳/۳	۴/۲	تاثیر نوسازی مسکن روستایی بر کاهش زیربنا
۳/۹۶	-	-	۱۲/۵	۷۹/۲	۸/۳	تاثیر نوسازی بر کاهش یا حذف فضاهای معیشتی
۴/۰۴	-	-	۸/۳	۷۹/۲	۱۲/۵	عدم تناسب نقشه‌ها و طرح‌ها با معماری سنتی روستایی

معنابخستگی بعد اقتصادی و معیشتی خانه روستایی

خانه بومی روستایی جلوه گاه شیوه معیشت و فعالیت اقتصادی ساکنین می‌باشد. به عبارت دیگر فضاهای ویژه خانه روستایی، پس آورد (مکمل) سبک و سیاق گذران معیشت و نوع فعالیت‌هایی است که غالباً مبتنی بر کشاورزی و امور زراعی و دامی می‌باشد. داده‌ها نشان می‌دهد که پدیدار شدن مسکن جدید، نقش قابل توجهی در کاهش تعداد دام و از بین رفتن کارکرد معیشتی خانه‌های بومی داشته اما در تغییر شغل و میزان درآمد سرپرستان خانوار تاثیر نسبتاً کمتری داشته است. به عبارتی می‌توان گفت خانه بومی روستایی در فرایند گذار از سنت به مدرنیته، دچار معنابخستگی عملکردی و کمرنگ شدن کارکرد معیشتی شده که برآیند آن، بروز تحولاتی در ساختار درآمدی خانوارها خواهد بود (جدول ۳).

جدول ۳. میانگین و درصد تاثیرگذاری هر یک از سنجه‌های بعد اقتصادی مسکن

میانگین	طیف					گزاره
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۲/۷۹	۸/۳	۲۹/۲	۳۷/۵	۲۵	-	تاثیر نوسازی در تغییر شغل خانوار از کشاورزی به مشاغل دیگر
۲/۶۲	۸/۳	۴۱/۷	۲۹/۲	۲۰/۸	-	نقش نوسازی در کاهش سطح درآمدی سرپرستان خانوار
۳/۷۰	-	-	۲۹/۲	۷۰/۸	-	تاثیر نوسازی بر کاهش تعداد دام
۳/۸۳	-	-	۲۵	۶۶/۷	۸/۳	تاثیر نوسازی بر از بین رفتن کارکرد معیشتی مسکن روستایی

معنا‌باختگی ساختار اجتماعی خانه روستایی

از خصیصه های خانه سنتی روستایی، اجتماع محوری، تراکم چند خانواری و مناسبات و مراودات چند سویه را می‌توان نام برد. مسکن سنتی دارای نظامی از تعاملات وحدت آفرین و نمادی از جامعه گرایی و مشارکت جویی می‌باشد. این تعاملات در کالبد خانه و در انطباق با روحیات و خلق و خوی ساکنین بومی شکل می‌گیرد. داده‌ها نشان می‌دهد که خانه‌های نوظهور روستایی با محدود شدن زیربنا و حذف بسیاری از فضاهای عملکردی، عرصه را برای تداوم ساختار خانواده گسترده و سکونت چند خانواری تنگ نموده (۴/۱۶) و به نوعی تجدد و رفاه‌طلبی غیر ملموس را در بافت و کالبد خود نمایان می‌سازد. نقش نوسازی در به فراموشی سپرده شدن آداب و رسوم سنتی روستاییان، با میانگین رتبه‌ای ۳/۴۵ بیشتر از نقش آن در کمرنگ شدن مناسبات و روابط همسایگی (۲/۶۷) بوده است (جدول ۴).

جدول ۴. میانگین و درصد تأثیرگذاری هر یک از سنجه‌های بعد اجتماعی مسکن

میانگین	طیف					گزاره
	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۲/۶۷	-	۳۷/۵	۵۸/۳	۴/۲	-	تأثیر نوسازی مسکن در کم رنگ شدن مناسبات و روابط همسایگی
۴/۱۶	-	-	۴/۲	۷۵	۲۰/۸	نقش نوسازی در کاهش تراکم خانوار در واحد مسکونی
۳/۴۵	-	۴/۲	۵۰	۴۱/۷	۴/۲	تأثیر نوسازی در به فراموشی سپردن آداب و رسوم سنتی روستاییان

جهت ارزیابی نقش بهسازی مسکن در تحولات معنایی مسکن روستایی، از آزمون کای اسکوئر (خی دو) استفاده شد. داده‌ها نشان می‌دهد که بین میانگین پاسخ‌ها و حد مورد انتظار تفاوت وجود داشته و این تفاوت با خطای آلفای ۰/۰۰۰ که مقداری کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، معنادار است. به عبارت دیگر، نوسازی مسکن و پدیدار شدن مسکن جدید در روستاها موجب تغییر در معماری روستایی، کاهش سطح زیربنا و حذف فضاهای معیشتی شده، همچنین بین نقشه‌ها و طرح‌ها با معماری سنتی تناسبی وجود ندارد. این ارزیابی بر اساس مقدار مثبت ضریب کای اسکوئر و ضریب Sig مطلوب، مورد تأیید می‌باشد (جدول ۵). کاهش سطح زیربنا و از بین رفتن فضاهای متنوع معیشتی در ساختار مسکن روستایی، موجب تغییر در سبک معماری، از بین رفتن کارکرد معیشتی خانه‌ها و عدم انطباق پذیری نوع معماری با محیط روستا شده است. بسیاری از کشاورزان به دلیل محدودیت مکانی، دام، علوفه و ماشین آلات کشاورزی را در خارج از فضای خانه جانمایی می‌کنند (شکل ۳ و ۴).

جدول ۵. تناسب و ارتباط بین مولفه‌های بعد کالبدی با استفاده از آزمون کای اسکوئر

شاخص	تأثیر نوسازی مسکن بر تغییر معماری بومی	تأثیر نوسازی مسکن روستایی بر کاهش زیربنا	تأثیر نوسازی بر کاهش یا حذف فضاهای معیشتی	تناسب نقشه‌ها و طرح‌ها با معماری سنتی روستایی
Mean Rank	۴/۲	۴/۲	۸/۳	۱۲/۵
Chi-Square	۳۱/۷۵۰	۲۷/۲۵۰	۲۲/۷۵۰	۲۲/۷۵۰
df	۲	۲	۲	۲
Asymp sig	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰





شکل ۴. جدایی محل نگهداری ماشین آلات کشاورزی و علفه از فضای خانه (روستای جوانمرد آباد)

تحلیل یافته‌های مربوط به ابعاد معنایی معیشت محوری مسکن روستایی بومی نشان می‌دهد که نوسازی مسکن موجب کاهش تعداد دام با میانگین رتبه‌ای ۳/۷۰، ضریب خی دو ۴/۱۶۷ و سطح معناداری ۰/۰۴۱ شده، همچنین نوسازی موجب نادیده گرفتن عملکرد معیشتی خانه‌های روستایی با مقدار خطای آلفای ۰/۰۰۲ شده است. نوسازی مسکن تأثیر چندانی در تحولات شغلی و کاهش سطح درآمدی خانوارها نداشته، به همین دلیل در این زمینه تفاوت معناداری وجود ندارد که از دلایل این امر می‌توان به نگهداری دام‌ها در بافت قدیمی و باقیمانده مسکن سنتی اشاره نمود (جدول ۶).

جدول ۶. تناسب و ارتباط بین مولفه‌های بعد اقتصادی با استفاده از آزمون کای اسکوتر

شاخص	تأثیر نوسازی بر تغییر شغل خانوارها	تأثیر نوسازی بر کاهش سطح درآمدی خانوارها	تأثیر نوسازی بر کاهش تعداد دام	تأثیر نوسازی بر نادیده گرفتن کارکرد معیشتی
Mean Rank	۲/۷۹	۲/۶۲	۳/۷۰	۳/۸۳
Chi-Square	^a ۴/۳۳۳	^a ۵/۶۶۷	^b ۴/۱۶۷	^c ۱۳
df	۳	۳	۱	۲
Asymp sig	۰/۲۲۸	۰/۱۲۹	۰/۰۴۱	۰/۰۰۲

نقش نوسازی مسکن در معنا‌بخشی مسکن نوظهور را می‌توان در تأثیر قابل توجه آن‌ها بر کاهش تراکم خانوار در واحد مسکونی با ضریب ۱۹/۷۵۰ و Sig ۰/۰۰۰، کاهش مناسبات اجتماعی با خطای آلفای ۰/۰۰۵ و فراموش شدن آداب و رسوم سنتی با ضریب معناداری ۰/۰۰۱ مشاهده نمود (جدول ۷).

جدول ۷. تناسب و ارتباط بین مولفه‌های بعد اجتماعی با استفاده از آزمون کای اسکوتر

شاخص	تأثیر نوسازی مسکن در کم‌رنگ شدن مناسبات و روابط همسایگی	نقش نوسازی در کاهش تراکم خانوار در واحد مسکونی	تأثیر نوسازی در به فراموشی سپردن آداب و رسوم سنتی روستاییان
Mean Rank	۲/۶۷	۴/۱۶	۳/۴۵
Chi-Square	۱۰/۷۵۰	۱۹/۷۵۰	۱۷
df	۲	۲	۳
Asymp sig	۰/۰۰۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱

به منظور ارزیابی میزان انطباق‌پذیری نظرات پاسخگویان دو گروه شغلی دهیاران و کارمندان دهیاری، شهرداری و بنیاد مسکن راجع به تأثیر نوسازی بر معناگرایی خانه‌های نوظهور، از آزمون مان-ویتنی استفاده شد. بر اساس یافته‌ها، بین دو گروه شغلی یاد شده به لحاظ نوع نگرش به مسکن جدید تفاوت عقیده‌ای وجود ندارد. ضریب مان-ویتنی در رابطه با تأثیر نوسازی بر تغییر معماری بومی، کاهش سطح زیرینا و حذف فضاهای معیشتی به ترتیب ۵۱، ۴۸ و ۵۱ و مقدار خطای آلفای آن‌ها به ترتیب ۰/۸۷۱، ۰/۷۲۱ و ۰/۸۷۱ بوده که با توجه به بالا بودن این ضریب نسبت به معیار ۰/۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که هر دو گروه بر نقش تأثیر گذار نوسازی در مولفه‌های فوق تأکید دارند (جداول ۸ و ۹).

جدول ۸. تاثیر نوسازی مسکن بر تغییر معماری بومی از طریق آزمون من ویتنی

تاثیر بر تغییر معماری بومی			تاثیر بر کاهش سطح زیر بنا			تاثیر بر حذف فضاهای معیشتی			سمت
Sum of Ranks	Mean Rank	N	Sum of Ranks	Mean Rank	N	Sum of Ranks	Mean Rank	N	
۲۲۲	۱۲/۳۳	۲۰	۲۱۹	۱۲/۱۷	۲۰	۲۲۲	۱۲/۳۳	۲۰	دهیار
۷۸	۱۳	۱۱	۸۱	۱۳/۵۰	۱۱	۷۸	۱۳	۱۱	کارشناسان
-	-	۳۱	-	-	۳۱	-	-	۳۱	جمع

جدول ۹. نتایج آزمون مان ویتنی در رابطه با تفاوت دیدگاه دهیاران و سایر مسئولین

Test Statistics	تاثیر نوسازی مسکن بر تغییر معماری بومی	تاثیر بر کاهش سطح زیر بنا	تاثیر بر حذف فضاهای معیشتی
Mann-Whitney U	۵۱	۴۸	۵۱
Wilcoxon W	۲۲۲	۲۱۹	۲۲۲
Z	-.۳۴۸	-.۶۱۷	-.۲۸۲
Asymp. Sig. (2-tailed)	.۷۲۸	.۵۳۷	.۷۷۸
Exact Sig. [2*(1-tailed Sig.)]	.۸۷۱ ^b	.۷۲۱ ^b	.۸۷۱ ^b

در ادامه پژوهش با توجه به گروه‌های مختلف تحصیلی، به ارزیابی ارتباط میانگین نظرات و تفاوت آن‌ها با استفاده از آزمون کروسکال والیس پرداخته شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که نقش نوسازی مسکن در تغییر معماری بومی با ضریب $۰/۳۶۷$ ، حذف فضاهای معیشتی با $۱/۷۱۰$ و کاهش تراکم خانوار در مسکن روستایی با ضریب $۱/۸۵۳$ ، دارای مقدار خطای آلفای بیشتر از $۰/۰۵$ بوده و بدین ترتیب میزان تحصیلات پاسخ دهندگان که شامل دهیاران و مسئولین مرتبط می‌باشد، تاثیری در دیدگاه آن‌ها نسبت به معنا باختگی مسکن نوظهور نداشته و به طور کلی می‌توان گفت همه پاسخ دهندگان بر نقش قابل توجه طرح‌های جدید ساخت و ساز مسکن روستایی در تغییر مفهوم و معنای حقیقی خانه بومی روستایی اتفاق نظر داشته‌اند (جدول ۱۰ و ۱۱).

جدول ۱۰. ارتباط و تفاوت دیدگاه پاسخ دهندگان به تفکیک گروه‌های مختلف تحصیلی با آزمون کروسکال والیس

سطح تحصیلات	N	تاثیر بر تغییر معماری بومی	تاثیر بر حذف فضاهای معیشتی	تاثیر نوسازی بر کاهش تراکم خانوار در مسکن
Mean Rank	Mean Rank	Mean Rank	Mean Rank	Mean Rank
دپلم و فوق دپلم	۱۵	۱۱/۹۵	۱۳/۱۴	۱۱/۷۳
لیسانس	۱۱	۱۲/۹۴	۱۳/۲۸	۱۴/۳۳
فوق لیسانس	۵	۱۳	۹	۱۰/۵۰
جمع	۳۱	-	-	-

جدول ۱۱. نتایج آزمون کروسکال والیس در رابطه تفاوت دیدگاه گروه‌های مختلف تحصیلی

Test Statistics	تاثیر نوسازی بر کاهش تراکم خانوار در مسکن	تاثیر بر حذف فضاهای معیشتی	تاثیر نوسازی مسکن بر تغییر معماری بومی
Kruskal-Wallis H	۱/۸۵۳	۱/۷۱۰	۰/۳۶۷
df	۲	۲	۲
Asymp. Sig.	۰/۳۹۶	۰/۴۲۵	۰/۸۲۲

در ادامه تحقیق جهت بررسی میزان همبستگی مولفه‌های بعد کالبدی مسکن، از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد. یافته نشان می‌دهد که بین تغییر در معماری مسکن روستایی و کاهش سطح زیربنای خانه‌ها رابطه معناداری وجود دارد، ضریب همبستگی به دست آمده بین دو مولفه یاد شده $۰/۵۵۱$ و مقدار خطای آلفا ($۰/۰۰۳$) می‌باشد که کمتر از خطای مفروض است. همچنین بین کاهش سطح زیربنا و حذف فضاهای معیشتی با ضریب همبستگی $۰/۴۲۶$ و عدم تناسب طرح‌ها و نقشه‌های جدید با معماری سنتی با ضریب همبستگی $۰/۴۷۰$ و سطح معناداری کمتر از $۰/۰۵$ ارتباط معناداری وجود دارد. این ارتباط از نوع مثبت و نسبتاً قوی می‌باشد. بر اساس یافته‌ها، بین میزان حذف فضاهای معیشتی و عدم تناسب نقشه‌های جدید، ارتباط قوی با ضریب همبستگی $۰/۸۱۰$ و خطای آلفای $۰/۰۰۰$ وجود دارد. به عبارت دیگر می‌توان گفت با اجرای نقشه‌های جدید، بسیاری از فضاهای متنوع عملکردی خانه‌های روستایی تغییر یا حذف شده است. بنابراین معنای خانه سنتی روستایی، به مفهوم مسکن معاصر با خصوصیات جدید پدیدار شده است (جدول ۱۲).

جدول ۱۲. میزان همبستگی بین مولفه‌های بعد معنایی کالبد مسکن نوظهور روستایی

کد	مولفه	Correlation	A	B	C	D
A	تأثیر نوسازی مسکن روستایی بر تغییر معماری بومی	Correlation Coefficient	۱/۰۰۰	۰/۵۵۱	۰/۲۳۴	۰/۲۷۱
		Sig. (1-tailed)	.	۰/۰۰۳	۰/۱۳۶	۰/۱۰۰
B	تأثیر نوسازی مسکن روستایی بر کاهش زیربنا	Correlation Coefficient	۰/۵۵۱	۱/۰۰۰	۰/۴۲۶	۰/۴۷۰
		Sig. (1-tailed)	۰/۰۰۳	.	۰/۰۱۹	۰/۰۱۰
C	تأثیر نوسازی بر کاهش یا حذف فضاهای معیشتی	Correlation Coefficient	۰/۲۳۴	۰/۴۲۶	۱/۰۰۰	۰/۸۱۰
		Sig. (1-tailed)	۰/۱۳۶	۰/۰۱۹	.	۰/۰۰۰
D	میزان تناسب نقشه‌ها و طرح‌ها با معماری سنتی روستایی	Correlation Coefficient	۰/۲۷۱	۰/۴۷۰	۰/۸۱۰	۱/۰۰۰
		Sig. (1-tailed)	۰/۱۰۰	۰/۰۱۰	۰/۰۰۰	.

نتیجه‌گیری

خانه روستایی در گذر زمان، متناسب با موقعیت جغرافیایی و ساختار فرهنگی ساکنین، معنا و مفهوم خود را یافته و به‌عنوان حلقه‌ای کلیدی از زنجیره اقتصاد و فعالیت روستایی، تجلی‌گاه سکونت و فعالیت ساکنین است. در واقع خانه سنتی روستایی پهنه‌ای محصور مالامال از معناست. معنای خانه در نوع معماری، مصالح، فضاها، کنش‌های ساکنین و عملکردها و تعاملات وحدت بخش رخ می‌نماید. در تحقیق حاضر به بررسی عوامل هویت بخش و از این طریق تحولات صورت گرفته در ابعاد مختلف معنایی مسکن پرداخته شد. فضاهای متنوع عملکردی، معماری ویژه، معیشت محوری، حلقه ارتباط و برقراری مناسبات جمعی، مکمل بودن فعالیت‌های اقتصادی به همراه کارکرد زیستی از مهم‌ترین جنبه‌های معنابخشی به خانه سنتی روستایی در نظر گرفته می‌شود. با توجه به عنوان و هدف پژوهش، به ارزیابی ابعاد معنایی مسکن از جنبه‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی از طریق مطالعه میدانی و طرح سوالات مرتبط با ابعاد مذکور پرداخته شد و در این رابطه از دهیاران دهستان نیلاق جنوبی و کارشناسان و مسئولان حوزه مسکن روستایی شهرستان دهگلان اطلاعات لازم اخذ گردید. با توجه به یافته‌ها، پاسخگویان بر نقش تأثیرگذار نوسازی مسکن در تغییرات خانه روستایی تأکید نموده به طوری که از بعد کالبدی، مسکن نوظهور موجب تغییر معماری بومی، کاهش سطح زیربنا، حذف فضاهای معیشتی و عدم مطابقت با معماری سنتی بومی شده که از این نظر با یافته‌های افتخاری و همکاران (۱۳۹۷) و قاسمی سیانی و همکاران (۱۳۹۷) همسو می‌باشد. اخترکاوان و همکاران (۱۳۹۵) وجود فضاهای چندکارکردی را بخشی از وجوه معنایی خانه روستایی می‌دانند که در مسکن نوین روستایی مورد غفلت قرار گرفته، این مسئله در یافته‌های تحقیق حاضر نیز تبیین شده است، زیرا نوسازی مسکن در منطقه مورد مطالعه از بعد اقتصادی تأثیر قابل توجهی در کاهش تعداد دام و نادیده گرفتن عملکرد معیشتی خانه‌های روستایی داشته است. از بعد اجتماعی، ساخت و ساز جدید، معنای حقیقی خانه روستایی به عنوان محل اجتماع چندین خانوار و روابط خویشاوندی را تغییر داده که منطبق با ویژگی‌های مسکن بومی نیست، یافته‌های تحقیق از این جهت با نتایج پژوهش صورت گرفته توسط عبدالله‌زاده و ارژمند (۱۳۹۱) در یک راستا می‌باشد. همچنین یافته‌ها نشان داد که کلیه پاسخگویان اعم از دهیاران و سایر مسئولین حوزه مسکن، به نقش نوسازی در معنابخشی خانه روستایی تأکید نموده و بین نظرات آن‌ها تفاوت معناداری وجود نداشته است. می‌توان نتیجه گرفت که معنا و هویت حقیقی مسکن روستایی با تغییر در سطح زیربنا، حذف یا کاهش فضاها، استفاده از مصالح نامأنوس با محیط پیرامون و شیوه معماری شبه شهری، با تحولاتی مواجه شده که از این حیث، مطابق با نیاز و واقعیت زندگی روستاییان نمی‌باشد. آنچه که در معنابخشی مسکن روستایی نقش عمده‌ای دارد، تهیه طرح‌ها و اجرای پروژه‌هایی است که منطبق با ماهیت، عملکرد و ساختار خانه‌های روستایی نبوده بلکه به تبعیت از مسکن شهری، الگویی یکنواخت با عملکردی صرفاً سکونتی را برای کلیه نقاط روستایی کشور دنبال می‌کند. حال آن که معماری خانه‌های روستایی هر منطقه به همراه فضاهای عملکردی آن، متناسب با شرایط محیطی و فرهنگی همان منطقه شکل گرفته و هر گونه طرح و برنامه‌ریزی، نیازمند بومی‌سازی و توجه به شرایط و خصوصیات محلی می‌باشد. بنابراین از دیدگاه پاسخگویان، مفهوم و معنای حقیقی خانه روستایی که تلفیقی از خصوصیات اجتماعی، اقتصادی و کالبدی است، در نتیجه دخل و تصرف‌های صورت گرفته در ساختار و عملکرد آن، با تغییراتی همراه شده و به نوعی، معنابخشی در خانه‌های سنتی روستایی پدیدار شده است. لذا با توجه به یافته‌ها و نتایج تحقیق، در راستای احیای خانه بومی روستایی، هویت بخشی و معنابخشی به خانه‌های روستایی، پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

- در معماری خانه‌های روستایی، مساحت زیر بنا عاملی محوری و تعیین کننده می‌باشد، بنابراین ضرورت دارد به مساحت خانه‌ها افزوده شود.
- تنوع فضایی و توجه به عملکرد معیشتی به همراه کارکرد زیستی، از خصیصه های خانه سنتی روستایی است، از این رو پیشنهاد می شود، فضاهایی از جمله محل نگهداری دام، علوفه، محصولات و تولیدات، تنوری خانه و ... در خانه‌های نوظهور احیا و باز سازی شود.
- در معماری خانه‌های روستایی به هماهنگی و هارمونی مصالح و سبک معماری با محیط روستا توجه شود.

تقدیر و تشکر

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی مستقل بوده و بدون حمایت مالی سازمانی انجام شده است.

منابع

- عبداله زاده، سیده مهسا و ارژمند، محمود. (۱۳۹۱). در جست‌وجوی ویژگی‌های خانه ایرانی (بر مبنای بررسی شیوه زندگی در خانه‌های سنتی شیراز). *مطالعات شهر/ایرانی/اسلامی*، ۳(۱۰)، ۱۰۹-۱۲۲. <https://www.sid.ir/paper/483570/fa>
- اخترکاوان، مهدی؛ دیواندری، جواد و اشراقی، شادی. (۱۳۹۵). خانه از مفهوم تا معنا. چهارمین کنفرانس ملی و دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مهندسی عمران و معماری و مدیریت شهری، ۶ بهمن ماه، تهران، دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی.
- اکرمی، غلامرضا و دامیار، سجاد. (۱۳۹۵). نقش شناخت معمار از کاربر در هویت بخشی به طرح‌های مسکن روستایی؛ بررسی موردی: معماری روستایی ایلام. *معماری و شهرسازی*، ۸(۱۶)، ۸۵-۱۰۲. doi: 10.30480/AUP.2016.283
- عناستانی، علی اکبر؛ انزایی، الهه و بهزادی، صدیقه. (۱۳۹۵). اثرپذیری الگوی مسکن روستایی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی روستایان مورد: شهرستان نکا. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۲(۱۶)، ۴۲-۲۱. doi: 10.18869/acadpub.ser.5.16.21
- ارمغان، مریم. (۱۳۹۴). معناسازی برای خانه؛ زندگی روزمره تهران در فیلم‌های سینمایی. *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۵(۲)، ۷۳-۵۱. doi: 10.22059/IJAR.2015.59018
- ارژمند، محمود و خانی، سمیه. (۱۳۹۱). نقش خلوت در معماری خانه ایرانی. *مطالعات شهر/ایرانی/اسلامی*، ۲(۷)، ۳۸-۲۷. <https://www.sid.ir/paper/۱۷۷۳۶۰/fa>
- عسکری، اباضلت رابری؛ عباس زاده، شهاب و آبرون، علی اصغر. (۱۳۹۴). بررسی عناصر فضایی-کالبدی تأثیر گذار بر مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستاهای دیزباد بالا، فریزی و آیدلیک). *پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۴(۱۲)، ۱۹۳-۱۷۷. doi: 10.22067/JRRP.V4I4.46814
- دادور خانی، فضیله؛ حسام، مهدی؛ چراغی، مهدی؛ امیدی شاه‌آباد، امید و محمدی، زینب. (۱۳۹۷). تحلیل اثرات تغییرات الگوی مسکن بر کارکرد زنان روستایی (مطالعه موردی: روستاهای استان لرستان). *مسکن و محیط روستا*، ۳۷(۱۶۳)، ۷۴-۶۱. doi: 2010.22034/37.163.61
- فضلعلی، زینب؛ پورطاهری، مهدی و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا. (۱۳۹۷). بررسی تغییرات مسکن روستایی استان مازندران. *پژوهش‌های جغرافیایی/انسانی*، ۵۰(۲)، ۳۵۴-۳۳۹. doi: 10.22059/JHGR.2017.60338
- قره بگلو، مینو و روحی فر، سولماز. (۱۳۹۷). تاریخ ذهنیت عامه عاملی تأثیرگذار بر کیفیت مسکن. *هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی*، ۲۳(۱)، ۶۷-۸۰. doi: 10.22059/JFAUP.2018.238201.671763
- قاسمی سیانی، محمد؛ افراخته، حسن؛ ریاحی، وحید و عزیزپور، فرهاد. (۱۳۹۷). تبیین تحولات ساختاری - کارکردی سکونت و مسکن روستایی (مطالعه موردی: بخش بن رود و جلگه شهرستان اصفهان). *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۲(۳)، ۶۴-۴۷. dor: 20.1001.1.26455471.1397.5.2.3.8
- حمزه‌نژاد، مهدی و دشتی، مینا. (۱۳۹۵). بررسی خانه‌های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت‌گرایان معنوی. *نقش جان*، ۶(۲)، ۳۵-۲۴. doi: 20.1001.1.23224991.1395.6.2.2.2
- حسینی، کیانوش و نوروز برازجانی، ویدا. (۱۳۹۷). الگوی نوین از دستور زبان شکل در معماری خانه امروز؛ نمونه موردی: خانه‌های مجموعه‌ای قاجاری شهرهای تبریز و تهران. *باغ نظر*، ۱۵(۶۳)، ۴۰-۲۹. doi: 10.22034/BAGH.2018.67365
- حسینی، علی؛ فروتن، منوچهر و صالحی، سعید. (۱۳۹۷). تحول معنای اجتماعی - فضایی در خانه‌های اراک (بررسی تطبیقی الگوی فعالیت‌ها و روابط اجتماعی در خانه‌های سنتی درون‌گرا و خانه‌های تک واحدی معاصر اراک). *معماری و شهرسازی آرمان شهر*، ۱۱(۲۳)، ۳۹-۲۷. https://www.armanshahrjournal.com/article_69528.html

- کریمی، مهشید؛ حجت، عیسی و شهپازی چگنی، بهروز. (۱۳۹۷). جستار در چگونگی پیوند ساکن و مسکن. *باغ نظر*، ۱۵(۶۱)، ۵-۱۶.
doi: 10.22034/BAGH.2018.63859
- خامنه‌زاده، خنانه. (۱۳۹۶). مفهوم خلوت و چگونگی تحقق آن در زیست-جهان خانه ایرانی مطالعه تطبیقی آن در خانه ایرانی ماقبل مدرن و خانه مدرن ایرانی. *باغ نظر*، ۱۴(۴۹)، ۳۳-۴۴. https://www.bagh-sj.com/article_47438.html
- خسرونی، مرتضی. (۱۳۹۶). تأثیر تغییر فصول و فعالیت‌ها بر الگوی سکونت و شکل مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان ارومیه). *مسکن و محیط روستا*، ۳۶(۱۵۹)، ۵۱-۶۲. <http://jhre.ir/article-1-1197-fa.html>
- معقولی، نادیا و احمدزاده، معصومه. (۱۳۹۶). گونه‌شناسی مسکن روستایی شهرستان سوادکوه از نظر معماری و سازه. *مسکن و محیط روستا*، ۳۶(۱۶۰)، ۸۷-۱۰۲. <http://jhre.ir/article-1-1230-fa.html>
- پورغفارمغفرتی، محمدرضا و پوررمضان، عیسی. (۱۳۹۷). ارزیابی وضعیت شاخص‌های اجتماعی مسکن در نواحی روستایی استان گیلان. *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۱۰(۲)، ۲۴۹-۲۶۸. doi: 20.1001.1.66972251.1397.10.2.26.6
- محمدی یگانه، بهروز؛ چراغی، مهدی؛ جمشیدی، محمد کاظم و امامی، مائده. (۱۳۹۶). تحلیل شاخص‌های اقتصادی مؤثر در تحولات کارکرد مسکن روستایی (مطالعه موردی: دهستان غنی بیگلر، شهرستان زنجان). *مسکن و محیط روستا*، ۳۶(۱۶۰)، ۳۵-۴۴. <http://jhre.ir/article-1-1308-fa.html>
- مظفر، فرهنگ؛ عبدمجیری، امین و هاشمیان، عاطفه سادات. (۱۳۹۵). مفاهیم در الگوی معماری مسکن روستایی (پژوهشی مورد در روستاهای استان خراسان رضوی). *مسکن و محیط روستا*، ۳۵(۱۵۴)، ۵۹-۷۴. <http://jhre.ir/article-1-773-fa.html>
- قادرمرزی، حامد و بهمنی، افشین. (۱۳۹۷). واکاوی ابعاد فقر مسکن با تأکید بر عملکرد اقتصادی مسکن روستایی مورد: دهستان نیلاق جنوبی شهرستان دهگلان. دومین همایش ملی چشم انداز توسعه پایدار روستایی ایران، تهران.
- ریاحی، وحید؛ میثمی، زهرا و جوان، فرهاد. (۱۳۹۷). تحلیل وضعیت تأمین مسکن در سکونتگاه‌های روستایی حاشیه کلان شهرها (مورد مطالعه: روستاهای بخش کهریزک در شهرستان ری). *سرزمین*، ۱۵(۱)، ۱۵-۲۸. <https://sanad.iau.ir/fa/Journal/sarzamin/Article/822826>
- ریاحی، وحید؛ پریزادی، طاهر و سنگین استادی، علی. (۱۳۹۶). تحلیل الگوهای تأمین مسکن در نواحی روستایی مورد: شهرستان‌های تایباد و باخرز. *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، ۶(۲)، ۱۳۷-۱۵۴. doi: 10.18869/acadpub.serid.6.20.137
- سعیدی، عباس و امینی، فریبا. (۱۳۸۹). ناپایداری سکونت گاهی و تحول کارکردی مسکن روستائی: مورد: روستای خفر (ناحیه نطنز- بادرود). *جغرافیا (انجمن جغرافیایی ایران)*، ۸(۲۷)، ۲۹-۴۳. https://mag.iga.ir/article_704418.html
- ساکت یزدی، علی؛ بیگزاده، حمید و کاملی، ساسان. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر مرمت‌های نامطلوب بر میزان بار حرارتی خانه‌های سنتی یزد؛ نمونه موردی: خانه‌های علمی و تفریحی. *باغ نظر*، ۱۴(۵۴)، ۶۵-۷۶. https://www.bagh-sj.com/article_53481.html
- سرتیپی‌پور، محسن. (۱۳۹۲). معماری خانه‌های بومی مردم پسند در روستاهای استان مرکزی. *برنامه‌ریزی توسعه کالبدی*، ۳۱(۳)، ۲۵-۳۶. https://psp.journals.pnu.ac.ir/article_2167.html
- سرتیپی‌پور، محسن؛ رستمی، محمدرضا؛ شهابی شه‌میری، مجتبی و امیرسادات، میثم. (۱۳۹۷). تحلیل و ارزیابی ویژگی‌های مسکن روستایی براساس نمونه‌گیری سال ۱۳۹۲. *مسکن و محیط روستا*، ۳۷(۱۶۳)، ۳-۱۸. doi: 2010.22034/37.163.3
- شفایی، مینو. (۱۳۹۷). الگوی طراحی مسکن روستایی (مطالعه موردی: روستای هنجن). *مسکن و محیط روستا*، ۳۷(۱۶۳)، ۳۳-۴۶. doi: 2010.22034/37.163.33
- ورمقانی، حسنا؛ سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۷). نقش جنسیت و فرهنگ معیشتی در شکل‌گیری خانه (مقایسه خانه‌های قاجاری گیلان و بوشهر). *آرمانشهر*، ۱۱(۲۳)، ۱۲۳-۱۳۴. <https://www.sid.ir/paper/202337/fa.html>
- زرگر، اکبر؛ سرتیپی‌پور، محسن؛ میری، سیدحسن و شیخ طاهری، حامد. (۱۳۹۶). طراحی و شکل‌گیری خانه روستایی به روایت معماران قدیمی (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان گرمسار). *مسکن و محیط روستا*، ۳۶(۱۵۸)، ۳-۲۰. <http://jhre.ir/article-fa.html-1705-1>
- Cheng, M., Liu, Y., & Zhou, Y. (2019). Measuring the symbiotic development of rural housing and industry: A case study of Fuping County in the Taihang Mountains in China. *Journal of Land Use Policy*, 82, 307-316. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2018.12.013>
- Kuloglu, N., & Durmus, S. (2014). The Trace of Change: Traditional House, Proceedings of the 2nd ICAUD International Conference in Architecture and Urban Design Epoka University, Tirana, Albania, 08-10 May 2014 Paper No. 285. <http://dspace.epoka.edu.al/handle/1/1044>
- Nuzha, A. (2018). A place of many names: how three generations of Bedouin women express the meaning of home. *Journal of Hous and the Built Environ*, 33, 247-262. <https://doi.org/10.1007/s10901-017-9546-5>

- Philip, L., & Williams, F. (2018), Remote rural home based businesses and digital inequalities: Understanding needs and expectations in a digitally underserved community. *Journal of Rural Studies*, 62, 1-13. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2018.09.011>
- Rapoport, A. (2005). *Culture Architecture and design*, Locke science publishing company, Inc, Chicago, USA.
- Robert R., Reed, & Ejindu S. Ume. (2019). Housing, Liquidity Risk, and Monetary Policy. *Journal of Macroeconomics*, 59-60, 1-68. <https://doi.org/10.1016/j.jmacro.2019.01.003>
- Townsend, L., Wallace, C., Fairhurst, G., & Anderson, A. (2017). Broadband and the creative industries in rural Scotland. *Journal of Rural Study*, 54, 451-458. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2016.09.001>



How to cite this article:

Bahmani, A., Ghadermarzi, H., & Mafakheri, L. (2024). A Reflection on the Loss of Meaning in Newly Emerging Rural Houses with an Emphasis on Spatial-Functional Aspects (Case Study: Southern Ilaq Rural District, Dehgolan County). *Journal of Studies of Human Settlements Planning*, 19(3), 213-227.

ارجا به این مقاله:

بهمنی، افشین؛ قادرمهری، حامد و مفاخری، لیلا. (۱۴۰۳). تأملی در معنا‌باختگی خانه‌های نوظهور روستایی با تأکید بر وجوه فضایی - عملکردی (مطالعه موردی: دهستان فیلاق جنوبی، شهرستان دهگلان). *فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی*، ۱۹ (۳)، ۲۱۳-۲۲۷.

فصلنامه علمی

مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی